

ترجمه

«نکاتی درباره دلایل بهایی بر اساس قرآن»

۱ - تحرّی حقیقت

۱ - علی رغم اینکه این حقیقت در قرآن بیان شده که اسلام تنها دیانت برحقّ خداوند است و حضرت محمد خاتم النبیین هستند ، این مطلب نباید مسلمان متقی را به طور کامل از تحرّی حقیقت درباره دیانت بهایی بازدارد زیرا :

الف) قرآن به ما می گوید که تحرّی حقیقت کنیم و کورکورانه تقلید ننماییم.
ب) ما در دیانت بهایی کلیدی می یابیم که به وسیله خود قرآن معنی حقیقی اسلام و خاتم انبیاء و روز داوری را برای ما شرح می دهد.

۲ - در قرآن به ما گفته شده است که تقلید کورکورانه از والدین یا علمای مذهبی غلط است. حال ببینیم آیات قرآن چگونه این موضوع را اثبات می نماید.

الف) حضرت محمد شرح می دهند که چگونه غیر مؤمنین از پیام الهی اعراض نمودند صرفاً به خاطر اینکه آنها می خواستند از پدرانشان تبعیت کنند. بر طبق کتاب قرآن عذر ایشان ، که هرگز از جانب خداوند پذیرفته نخواهد شد ، چنین بود: « ما پدرانمان را بر يك عقیده (آیین) یافتیم و بر اثر اقدام ایشان هدایت می شویم.»

إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ ۚ زحرف ۴۳

ب) سپس حضرت محمد شرح می دهند که تمایل به تقلید والدین در ادیان قبل از ایشان نیز وجود داشته است: « هرگز قبل از زمان تو نیز بیم دهنده ای به مدینه ای نفرستادیم مگر آنکه ثروتمندان آنجا گفتند : ما حقیقتاً پدرانمان را بر يك اعتقاد یافتیم و بر اثر اقدام ایشان گام برمی داریم.»

وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ۚ زحرف ۲۳

ج) قرآن همچنین وضعیت این غیر مومنین را وقتی که به وسیله خداوند داور می شوند شرح می دهد و نشان می دهد که چطور تنها بهانه ایشان گمراهی به وسیله رهبران ایشان است و چنین بهانه ای از طرف خداوند پذیرفته نخواهد بود: «ای خدای ما، در حقیقت ما رؤسا و بزرگانمان را اطاعت کردیم و آنها ما را از طریق الهی گمراه نمودند.»

... رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (۶۷) احزاب ۳۳

۳ - بیایید درباره تبعیت از آنچه اکثریت مردم می گویند بحثی نداشته باشیم. به این آیات توجه فرمایید: «اگر شما از اکثریت مردم روی زمین اطاعت کنید آنها شما را از راه خدا گمراه می کنند.»

وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (۱۱۶) انفکام ۶

یادآوری می کنیم کتاب قرآن هم، که به وسیله خداوند مقتدر برای هدایت بشر فرستاده شده است، اگر به طور صحیح درک نشود می تواند گمراه کننده باشد. این باعث می شود تحریمی حقیقت از طرف هر مسلمانی قطعاً ضروری باشد. «به وسیله چنین مثلهایی خداوند بسیاری را گمراه می کند و بسیاری را هدایت می نماید.»

يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا (۲۶) بقره ۲

بعلاوه آیه بعدی به ما تعلیم می دهد که هرگاه يك پیامبر الهی ظاهر می شود مردم بواقع با او مخالفت می کنند زیرا او همیشه با آنچه که مخالف هوای ناس است می آید: «هرگاه پیامبری می آید با آنچه که مخالف هوای نفس شما است به او استکبار می ورزید (او را با غرور یاد می کنید)، با بعضی مثل يك دروغگو رفتار می نمایید و بعضی دیگر را به قتل می رسانید.»

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ۸۷ بقره ۲

سرانجام باید مطمئن باشیم که در جستجویمان برای حقیقت خداوند، او به طور حتم ما را یاری خواهد داد: «و کسانی را که به خاطر ما مجاهده می کنند به راهنمان هدایت خواهیم نمود.»

وَالَّذِينَ جَاهَلُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (۶۹) عنکبوت ۲۹

۲ - معنی اسلام

به خاطر سه آیه ذیل در قرآن :

«دین حقیقی نزد خداوند، اسلام است»

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱۹) آل عمران ۳

« هر کس از دینی بجز اسلام تبعیت کند آن دینت هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در دنیای بعد او در بین زیانکاران خواهد بود.»

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵) آل عمران ۳

«اليوم من دين شما را بر ايتان كامل کرده ام و حدّ نعمتها را بر شما تمام نموده ام و رضایت من در این است که اسلام دين شما باشد.»

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۳) مائده

(بر اساس آیات فوق) مسلمانان چنین تلقی می کنند که دیانت قرآن باید آخرین دين باشد. اصول دیانت بهایی این موضوع را روشن می نماید و نشان می دهد که اینچنین نیست. معنی "اسلام" تسلیم کردن اراده خود به اراده خداوند است که از طریق آخرین پیامبر او بیان می شود. بنابراین این در زمان حضرت محمد کسائی که خود را تسلیم اراده آخرین مظهر اراده الهی از طریق قرآن نمودند مسلمان نامیده شدند. اما قرآن در استفاده و کاربرد لغات اسلام و مسلم به اینجا محدود یا متوقف نشده است. برای مثال نوح يك مسلم نامیده شده است (یونس : ۷۲ و ۷۱ : ۱۰) ابراهیم، یعقوب و فرزندان ایشان نیز "مسلمون" نامیده شده اند (بقره : ۱۳۳ - ۱۳۱ : ۲) همینطور موسی و پیروانش "مسلمین" خطاب شده اند (یونس ۸۳ - ۱۰) و (اعراف ۱۲۵ - ۷) ، و بالاخره حواریون حضرت مسیح نیز "مسلمون" نامیده شده اند که نص آن در اینجا می آید: « و هنگامی که به حواریون مسیح نازل کردم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید. آنها گفتند: ما مومن شدیم و تو را شاهد می گیریم که ما مسلم (تسلیم امر تو) هستیم.»

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱۱۱) مائده

بنابراین ما می بینیم که منظور موسس قرآن از کلمه "اسلام" يك مفهوم کلی از دیانت الهی اعم از گذشته، حال و آینده بوده است. چنین دين عمومی البته تنها دیانت حقیقی است که به وسیله خداوند پذیرفته می شود چنانکه آیات قبل شاهد آن بود. حال مفهوم حقیقی و جامع اسلام در دیانت بهایی بیان شده است. بنابراین يك مسلمان واقعی این آیات را که در تعریف مفهوم اسلام است به عنوان يك وسیله و نه مانعی در جستجوی حقیقت تلقی می کند.

۳ - معنی خاتم النبیین

آیه ای که حضرت محمد را به عنوان خاتم النبیین معرفی می کند چنین است: «محمد پدر یکی از رجال شما نیست، بلکه او رسول خدا و خاتم انبیاست. و خداوند بر همه چیز داناست.»

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰) احزاب ۳۳

این آیه توسط مسلمانان چنین تفسیر شده که ابواب نبوت برای همیشه مسدود گشته است. بیابید درباره نکات ذیل تفکر کنیم و ببینیم آیا چنین برداشتی صحیح است.

۱ - در سفر خروج بر یهود واجب شده (۱۷-۱۶ : ۳۱) که سبت را به عنوان يك میثاق ابدی نگاه دارند: بدان جهت فرزندان اسرائیل سبت را نگاه می دارند و آن را در همه نسلهایشان به عنوان يك میثاق ابدی مراعات می کنند که آن برای همیشه نشانه ای بین من و ایشان است.

مسیحیان و مسلمانان هر دو سبت را شکستند. آیا این بدان معناست که آنها اشتباه کرده اند؟

۲ - به مسیح در مکاشفات به عنوان آفا و امگا، اول و آخر اشاره شده است. ۱۱ : I بعلاوه او در لوقا فرموده است (۳۳ : ۲۱) « آسمان و زمین از بین می رود اما کلام من زائل نمی

شود.» اگر حضرت عیسی آخرین بود چرا حضرت محمد بعد از ایشان ظاهر شدند؟ اگر کلمات مسیح نباید تغییر می کرد چرا حضرت محمد قرآن را نازل فرمود؟
۳ - دلیل اینکه چنین آیاتی در کتب مقدسه یافت می شود این است که همه انبیای الهی در حقیقت یکی هستند. هر چیزی شامل یکی از آنها شود شامل کل خواهد شد. آیات بعدی این نکته را اثبات می نماید.

(الف) « بگوئید ما به خداوند ایمان داریم و به آنچه که بر ما فرو فرستاده شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به انبیا از جانب پروردگارشان داده شده است. فرقی بین هیچ یک از آنها نیست.»

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ (۱۳۶) بقره ۲۵

(ب) «ما فرقی بین هیچیک از رسولان او نمی گذاریم.»

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ (۲۸۵) بقره ۲

(ج) «براستی ما بر تو وحی نمودیم همانطور که بر نوح و انبیاء بعد از او وحی فرستادیم. و نیز بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و زبور را به داوود دادیم.»

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۱۶۳) سوره

۴ - قرآن تعلیم می دهد که وحی الهی بی پایان است و منبع آن پایان ناپذیر می باشد.

(الف) « اگر دریا مرکب شود برای نوشتن کلام خداوند من ، دریا مطمئناً تمام می شود قبل از اینکه کلمات پروردگار من به اتمام رسد هر چند (دریایی دیگر) مثل آن را نیز به کمک بگیریم.»
لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

(۱۰۹) کهف ۱۸

(ب) «اگر همه درختهای روی زمین قلم شوند و بعد از اینکه به دریا هفت دریای از مرکب اضافه شود باز کلمات الهی تمام نخواهد شد که خداوند عزیز و حکیم است.»

وَلَوْ أَنَّ فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷) لقمان ۳۱

(ج) با اشاره به یهود ، قرآن از آنها در این کلمات انتقاد می نماید: «یهود گفتند دست خداوند غل و زنجیر شده است دست خود ایشان در زنجیر باد و لعنت بر آنها باشد به خاطر آنچه گفتند نه، چنین نیست. هر دو دست او گشاده است. او هر طور بخواهد مواهبش را عطا می نماید.»

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ

(۶۴) مائده

۵ - حضرت محمد به ما اطمینان داده اند که خداوند بنا به امر خود آزاد است فرد منتخب خویش را برای بندگان بفرستد.

الف) « امر به نزول فرشتگان و روح می کند بر کسی که او از بین بندگان اراده نموده تا مردم را فراخواند: آگاه باشید که خدایی جز من نیست پس از من بترسید.»

ب) « خدانده پیامبرانی را از بین ملائکه و از بین بشر انتخاب می کند ، براسستی او شنوا و بینا است.»

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۷۵) حج ۲۲

۶ - نکته جالب دیگری که ما در قرآن می یابیم بیان یک اصل کلی است که حاکم بر ظهور پیامبران الهی می باشد. این اصل که هیچ استثنایی ندارد و اسلام را نیز مستثنی نمی کند مقرر داشته که به هر امتی که پیامبر الهی را می پذیرند اجل معین و زمان مشخصی داده شده است. الف) « هر امتی اجل معینی دارد و وقتی آن زمان بیاید آنها نباید آن را ساعتی به تاخیر بیندازند و یا از آن پیشی بگیرند.»

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۳۴) اعراف ۷

ب) « برای هر اجلی کتابی است. هر آنچه را خداوند بخواهد نسخ و یا اثبات می فرماید زیرا سرچشمه وحی (ام کتاب) نزد اوست.»

لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (۳۸) يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۳۹) رعد ۱۳

ج) « زمان معین شده برای هر امت نه پیشی می گیرد و نه به تاخیر می افتد.»

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳) مؤمنون ۱۳

۷ - از آیاتی که تا کنون در این بخش نقل کرده ایم دو نکته معلوم می گردد که ثابت می نماید تفسیر "خاتم النبیین" نمی تواند آخرین ظهور الهی باشد. این دو موضوع عبارتند از : الف) نظر به وحدت انبیای الهی ، یک نام یا عنوانی که برای یکی از آنها به کار می رود می تواند شامل کل ایشان بشود.

ب) ظهورات الهی بی پایان هستند . آزادی خداوند در فرستادن نفوس برگزیده خود برای ما نامحدود است و او برای هر دینی اجلی معین کرده است. پس چرا حضرت محمد به عنوان "خاتم النبیین" تعیین شده است؟ این چیزی است که قصد داریم در موضوع بعدی بیان نماییم.

۸ - در قرآن بین کلمات "نبی" (prophet) و "رسول" (apostle or messenger) يك تفاوت گذاشته شده است. به این آیات توجه کنید : « ما قبل از تو هیچ رسول و نبی نفرستادیم . . . »

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ ... (۵۲) حج ۲۲

همچنین به آیات ذیل توجه کنید که چطور به حضرت موسی به عنوان رسول و همچنین نبی اشاره شده است، اما از هارون ، برادر حضرت موسی ، صرفاً به عنوان نبی یاد شده است.

و موسی را در کتاب یاد کن زیرا او انسان مخلصی بود، بعلاوه او يك رسول و يك نبی بود.

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۱) مریم ۱۹

« و ما به برادر موسی هارون از روی رحمت مقام نبوت بخشیدیم.»

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳) مریم ۱۹

کلمه نبي (prophet) يعني کسي که واقعه اي در آینده را "پيشگويي مي کند" در حالي که "رسول" به معني کسي است که "با پيامي از جانب خدا فرستاده مي شود." همه نفوس برگزيده خداوند نبي يا prophet بوده اند زيرا آنها امتشان را آگاه کرده اند و ظهور بزرگترين واقعه در تاريخ مذهبي يعني روز داوري را پيشگويي نموده اند، اين نکته نيز جالب توجه است که در قرآن (سوره ۷۸) از اين روز به عنوان نبا (خبر) ياد شده است، لغتي از همان ريشه "نبي". بنابراين بر طبق عرف قرآن از کلمه "نبي" به طور اخص اين مفهوم مستفاد مي شود که "او کسي است که يوم داوري را پيشگويي مي نمايد."

آيه قرآني که در فوق نقل شد حضرت محمد را به عنوان "خاتم" معرفي مي کند، اما نه به عنوان خاتم رسل بلکه خاتم انبيا، (انبياي نبوت کننده) روز داوري) لذا اين آيه اشاره نمي کند که پيامبر يا رسول ديگري به وسيله خداوند فرستاده نخواهد شد، بلکه صرفاً حاكي از اين است که حضرت محمد (که نذير يا بيم دهنده نيز ناميده شده است: سوره ۳۳ آيه ۴۴ و ۴۵) آخرين فرد برگزيده خداوند است که جهانيان را براي واقعه روز داوري آگاه و آماده مي کند به طوري که بدون واسطه بمحض پايان رسيدن دور ايشان روز قضا خواهد آمد. اين چيزي است که حضرت باب و حضرت بهاءالله صريحاً آن را اعلان فرموده اند، اينکه دور ايشان اکمال و تحقق نبوت ادیان قبل دربارہ وقوع روز موعود "دائري" است.

۹ - نظر به توضيحات بالا دربارہ فرق بين نبي و رسول، چگونه اين آيات دلگرم کننده قرآن باعث اطمینان قلب مجدد ما مي شود: «اي فرزندان آدم هرگاه رسولاني از بين شما بيابند که آيات مرا دوباره بر شما بيان نمايند هرکه خداترس (متقي) باشد و کارهاي نيك انجام دهد نه ترسي بر او خواهد بود و نه حزني او را فرا خواهد گرفت.»

يَا بَنِي آدَمِ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ أَتَقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۵) اعراف ۷

بهانيان معتقدند که حضرت محمد در واقع خاتم نبیین بودند، روز قضا آمده است، دو رسول الهي حضرت باب و حضرت بهاءالله ظاهر شده اند و در آثارشان تعليم داده اند که چگونه ظهورات الهي متوالي و تدريجي است و در اعصار آینده نيز ارسال رسل براي بشر ادامه خواهد داشت.

«روش خداوند که از قبل نيز اجرا شده اينچنين است و تغييری در سنت الهي نخواهي يافت.»

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۲۳) نوح ۴۸

۴ - آيا روز داوري (قيامت) آمده است؟

۱ - قرآن تعليم مي دهد که معني روز قضا يك راز است که به وسيله خداوند در همان روز داوري آشکار خواهد شد. «آنها از ساعت (قيامت) از تو سؤال مي کنند که چه وقت متحقق مي شود. بگو علم آن فقط نزد خداست در آن زمان هيچ کس جز خدا آن را ظاهر نخواهد کرد.»

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ

(۱۸۷) اعراف ۷

آنچه افکار بشر درباره روز قضا فکر کرده یا می کند صرفاً وهم و خیال است. چطور علمای اسلام می گویند که روز داورى نیامده است و هنوز سعی می کنند ماهیت آن یوم یا نشانه هایش را لفظ به لفظ شرح دهند.

۲ - بعلاوه به این نکته در قرآن اشاره شده که محتوای آن کتاب مقدس به دو بخش تقسیم شده است: قسمتی که بسادگی قابل فهم است (محکمت نامیده شده) و قسمتی که شکل داستان یا تصویر دارد (متشابهات خوانده می شود). قسم اول واضح و صریح است در حالی که نوع دوم به سبکی نازل شده که پر از بیانات کنایی است و بنابراین به وضوح فهمیده نمی شود. دومین قسم احتیاج به تفسیر دارد. آن تفسیر بر اساس قرآن به عهده خداوند است و وظیفه بشر نیست. خداوند در دور بعد تفسیر آن را نازل خواهد کرد. آن آیات عبارتند از:

« او کسی است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده. بعضی از آیات آن از محکمت است. اینها امّ الکتاب هستند و بقیه متشابهاتند. اما کسانی که در قلوبشان تنگی و گمراهی است متشابهات آن را به خاطر فتنه و در آرزوی تاویل آن دنبال می کنند در حالی که جز خداوند هیچکس تاویل آن را نمی داند.»

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ (۷) آل

عمران ۳

«و حالا ما برای آنها کتابی آورده ایم، بر اساس علم آن را شرح داده ایم، هدایت و رحمتی است بر مومنین. حال انتظار چه چیز جز تاویل آن را می کشند؟ وقتی تاویل آن بیاید آنهایی که از قبل به آن بی توجه بودند خواهند گفت رسولان پروردگار ما برآستی حق را برای ما آورده بودند.»

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲) هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ (۵۲) اعراف ۷

بهائیان اشاره می کنند که بیشتر آیات متشابهات قرآن روز قضا را شرح می دهند، همچنین معنی روز داورى، فقط وقتی که آن روز واقعاً بیاید، به وسیله خداوند آشکار خواهد شد. وقایع آن روز و تاویلات وعده داده شده در قرآن لزوماً با یکدیگر خواهد آمد. حضرت باب و حضرت بهاءالله نه فقط اعلان کردند که روز داورى آمده است، بلکه در آثارشان مفهوم حقیقی تمام سببها و تمائیل آن کتاب مقدس را برای ما روشن نموده اند.

۳ - جالبتر از همه شرحی است که در قرآن از پدیده اتفاقات جهان طبیعی در روز قضا آمده. برای مثال زمین زمین دیگر می گردد. (نگاه کنید به: زمر ۳۹: ۶۷، ابراهیم ۱۴: ۴۸، انشقاق ۸۴: ۳، ق ۵۰: ۴۴، روم ۳۰: ۵۰، حدید ۵۷: ۱۷) و آسمان شکافته و دو نیم می شود. (نگاه کنید به: انشقاق ۸۴: ۱، انفطار ۸۲: ۱، نبا ۷۸: ۱۹، انبیاء ۲۱: ۱۰۴، رحمن ۵۵: ۳۷، دخان ۴۴: ۱۰، فرقان ۲۵: ۲۵، زمر ۳۹: ۶۷) در سوره تکویر حتی می خوانیم: «هنگامی که آسمان به یک سو افکنده می شود.»

إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) تکویر ۸۱

و در سوره معارج: «وقتی که آسمان مثل فلز گداخته شود.»

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸) سَاحِرَج ۷۰

بعلاوه زمين مي لرزد و کوهها مرور مي نمايد (نگاه کنيد به سوره نمل ۲۷:۸۸ ، واقعه ۵۶:۵ ، قارعه ۱۰۱:۵ ، زممل ۷۳:۱۴ ، مرسلات ۷۷:۱۰ ، نيا ۷۸:۲۰ ، تکوير ۸۱:۳ ، طه ۲۰:۱۰۵)

همچنين خورشيد در هم پيچيده مي شود و نورش را از دست مي دهد (تکوير ۸۱:۱) و ستارگان پراکنده مي شوند و محو مي گردند. (انفطار: ۸۲ و مرسلات: ۷۷)
حالا بياييد آيات ديگر را با توضيح بالا مقايسه کنيم. چهار آيه در اینجا آمده. به کلماتي که زير آن خط کشيده شده است توجه کنيد:

« آيا آنها مطمئن هستند که عذاب سخت خداوند بر آنها خواهد آمد يا اينکه ساعت بر آنها به طور ناگهاني خواهد آمد. بر حالي که آگاه نيستند. »

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷) يوسف ۱۲
« آنها را از يوم حسرت آگاه کنيد ، زماني که که امر به انجام رسد ، درحالي که آنها در غفلت فرو رفته اند و مومن نيستند. »

وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۹) سريه ۱۹
« اما در يوم قيامت بعضي از شما بعضي ديگر را انکار خواهيد کرد و بعضي از شما بعضي را لعنت خواهيد نمود. »

يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا (۲۵) عنكبوت ۲۶

بياييد حالا از خودمان اين سوال را بپرسيم : اگر وصف شديد تغييرات جهان طبيعت براي تحقق در يوم قضا لفظاً تفسير شود ، عاقلانه خواهد بود که توقع داشته باشيم غير مومنين باز هم از آن "غافل" باشند ، از وقوع آن آگاه نشوند و خصوصاً بعد از اينکه " امر به انجام رسد" در "غفلت" غوطه خورند و ايمان نياورند و بالاتر از همه براي افراد انکار و لعنت يکديگر است. آيا نبايد اين علائم و نشانه ها آنقدر قوي باشند که مجالي براي ادامه بي اعتقادي و غفلت و لعنت باقي نماند؟

مطمئناً پاسخ اين است که علائم يوم قيامت بايد به طور نمادين تفسير شوند نه لفظي . سپس ما بايد درك كنيم که چرا عدم اعتقاد و غفلت در چنين زماني بايد هنوز هم غالب باشد.
۴ - از مطالب بالا متوجه مي شويم که وقايع روز قيامت به طور نمادين تفسير مي شوند . همچنين حالا خواهيم ديد که چگونه اين پيشرفت روحاني بتدریج اتفاق مي افتند.
الف) « و آنها از تو تعجيل در عذاب (يوم قيامت) را مي خواهند. اما خداوند در وعده اش کوتاهي نمي کند و به حقيقت يك روز نزد پروردگار تو مثل هزار سال است چنانکه شما آن را مي شماريد. »

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۴۷) حج ۲۲

اين آيه به ما نشان مي دهد که "يوم" قيامت يك روز معمولي بيست و چهار ساعته نيست بلکه هزار سال است.

ب) « او زنده را از مرده خارج مي کند و مرده را از زنده بيرون مي آورد و او زمين را در وقتي که مرده است زنده مي نمايد. شما نيز اينچنين بيرون آورده خواهيد شد. »

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
(۱۹) روم ۳۰

"زنده کردنی" که در این آیه ذکر می شود عموماً به وسیله مفسرین به عنوان اشاره به روز قیامت پذیرفته شده است بنابراین ما می بینیم که چطور رستاخیز مردگان یا خلق جدید، چنان که گاه در قرآن به آن خبر داده شده، در روز داوری مثل رویدن گیاهان از زمین در جهان طبیعت است و رشد گیاهی يك جریان تدریجی است.

۵ - در قرآن از قبل به ما گفته شده که خداوند در روز قیامت کتاب جدیدی نازل خواهد کرد ، آنجا يك ندا خواهد بود و خلق جدید چیزی نیست جز دین خداوند .
(الف) «و در روز قیامت ما برای او (انسان) کتابی را بیرون می آوریم که به صورت منشوری (باز) به او القا خواهد شد.»

وَيُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (۱۳) بَنِي إِسْرَائِيلَ (اسراء) ۱۷

(ب) «در آن روز خداوند شما را صدا خواهد زد»

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ . . . (۵۲) بَنِي إِسْرَائِيلَ (اسراء)

(ج) «و به روزی که در آن جارچی از مکانی نزدیک ندا می کند گوش بسپار : روزی که بشر بحقیقت آن صیحه را خواهد شنید . آن روز، یوم خروج آنها از قبر خواهد بود.»

وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ

الْخُرُوجِ (۴۲) ق ۵۰

« سپس وجهت را به طرف دین پاک (دیانت یا مذهب الهی) قرار بده . این خلقت خداوند است که با آن بشر را ایجاد کرده است . هیچ تغییری در خلق خداوند نیست ، آن دیانت حقیقی است و لکن اکثر مردم آگاه نیستند.»

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰) روم ۳۰

بنابراین ما می بینیم که چگونه روز قضا شاهد ظهور کتاب جدیدی است که که آن چیزی نیست جز آثار مقدسه حضرت بهاءالله . جارچی نیز اشاره به حضرت بهاءالله بوده و "مکان قریب" که ایشان از آنجا مردم را فرا می خواندند بغداد بوده که نزدیک عربستان است . در بغداد بود که حضرت بهاءالله پیام خود را اعلان نمودند . سرانجام برطبق آخرین آیه ایجاد و خلقت بشر توسط خداوند از طریق ظهور دیانت اوست و زندگی در نظر خداوند قبول امر او است .
۶ - حالا خواهیم دید که چطور قرآن خودش بعضی از جملات و عباراتی را که در شرح یوم قیامت است توضیح می دهد .

(الف) **زندگی** : یکی از وقایع مهم در یوم آخرت این است که مرده زنده خواهد شد . همانطور که تا به حال دیدیم این به معنی يك زندگی روحانی است، حیات دیانت . آیه بعدی وقتی نازل شده که حمزه عموی حضرت محمد به دین اسلام گروید . حمزه که قبل از مسلمان شدنش يك مشرک بوده به عنوان مرده محسوب شده است و به دنبال آن با قبول اسلام به او به عنوان زنده و دریافت کننده نور اشاره شده است .

« آیا مرده ای که او را زنده گردانیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله آن بتواند بین مردم راه رود مثلش مثل کسی است که در تاریکی است و از آنجا خارج نخواهد شد. »
 أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا (۱۲۲) انفال: ۶

این آیه مورد توجه خاص است زیرا نشان می دهد که "زندگی" و "نور" هر دو به صورت معنوی تعبیر می شوند نه ظاهری.

«در حالی که خدایانی را من دون الله فرا می خوانند ، خلق نکرده اند چیزی را و جز این نیست که خودشان مخلوق هستند. مرده هایی(غیر مومنین) هستند که حیات ندارند و نمی دانند چه وقت مبعوث خواهند شد.»

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰) أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۱) نحل: ۱۶

«ای مومنین، درخواست خداوند و پیامبرش را، وقتی که شما را برای حیات بخشیدن فرامی خواند، اجابت کنید.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۲۴) انفال: ۸

ب) نور : در روز قیامت وقتی که خورشید در هم پیچیده می شود و نورش را از دست می دهد در نتیجه آشفتنگی در آسمان ، ستاره ها ، ابرها و غیره ، همین طور در زمین پدید می آید. وقتی که خورشید، مرکز منظومه شمسی، مختل شود طبیعتاً همه انسجام آن منظومه نیز دچار آسیب خواهد شد. تفسیر بهایی البتّه این است که منظور از "نور" نور معنوی است نه ظاهری بنابراین مرکز نور در منظومه ما یعنی خورشید سمبلی از مظهر ظهور یا رسول الهی در هر یوم یا دور است. تاریکی یا از دست رفتن نور نشانه بی ایمانی ، غفلت و شرارت مردم است. آسمان نشانه دیانت الهی است که از آنجا مظهر ظهور الهی می درخشد. خورشید همیشه می تابد اما ما غالب اوقات به خاطر ابرها نور آن را نمی بینیم. ابرها رطوبتی هستند که از زمین بالا می آیند. در مفهوم روحانی نور الهی همیشه پرتو می افکند اما انسانها همیشه نمی توانند آن را ببینند زیرا اوهام و تصورات بشری که از قلوب و افکار انسان (زمین) برمی خیزد مانع این نور می شود. ستارگان نشان دهنده رهبران روحانی هستند که در سماء دیانت بعد از غروب خورشید یعنی بعد از رفتن مظهر امر از این عالم ظاهر می شوند . سقوط ستارگان نشانه افول روحانیت ایشان در نظر مردم است.

بیاید مروری بر بعضی از آیات قرآن درباره مفهوم نور داشته باشیم:
 « خداوند نور آسمان و زمین است »

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳۵) نور: ۲۴

« تمایل دارند که نور خداوند را با افواشان خاموش کنند اما خداوند جز این نمی خواهد که نورش را کامل کند اگر چه کفار از آن کراهت داشته باشند. »

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲) توبه: ۹
 «حالا يك نور و كتابي آشكار از طرف خدا براي شما آمده است.»

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵) مائدة

« این کتابی است که ما بر تو نازل کردیم برای اینکه به اجازه پروردگارشان، ایشان را از تاریکی خارج کنی و به طرف نور، یعنی راه خداوند عزیز و حمید، بیاوری. »

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

(۱) ابراهیم ۱۴

اینها فقط چند آیه از آیات مشابه بسیاری است که در قرآن وجود دارد. يك حدیث (خبر متواتر) در اسلام وجود دارد که در قرآن نیامده و آن اینکه در روز آخرت خورشید از مغرب (غرب یا نقطه غروب آن) طلوع خواهد نمود. خورشید حضرت محمد در اسلام غروب می کند. خورشید جدید، حضرت بهاءالله، از اسلام طلوع خواهد نمود.

ج) زمین و لرزش آن : ما در قرآن می خوانیم (سوره های حج ۱: ۲۲ و زلزال ۱: ۹۹) که در روز آخرت زمین به لرزه در خواهد آمد. ما قبلاً دیدیم که معنی "زمین" قلوب مردم است. دو آیه وجود دارد که این را ثابت می کند:

«قلوب مردم در آن روز لرزان (هراسان) است»

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸) نازعات ۷۹

« آنگاه مومنین امتحان شدند و با لرزشی شدید متزلزل گشتند. »

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱) احزاب ۳۳

د) آتش : حضرت محمد خطاب به مومنین موقعیت قبل از ایمان ایشان را شرح می دهند: « در وقت کفر شما در گودالی از آتش بودید ، او شما را از آن بیرون کشید. اینچنین خداوند بوضوح به شما نشانه هایش را نشان می دهد تا شاید شما از هدایت شدگان باشید. »

وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

(۱۰۳) آل عمران ۳

ه) حواس ظاهره : «خداوند بر قلوب آنها (غیر مومنین) و بر گوشه ایشان مهر و بر چشمه ایشان پرده ای زده است. »

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ (۷) بقره ۲۰

« کر ، لال و کور هستند بنابراین نمی بایست از گامهای اشتباهشان برگردند. »

صُمٌّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸) بقره ۲۰

«قلوبی دارند که با آن نمی فهمند و چشمهایی که با آن نمی بینند و گوشهایی که با آن نمی شنوند. آنها مثل حیوانات هستند. بلکه گمراه ترند. آنها غافلند. »

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹) اعراف ۷

و) رجعت : در آیات بعدی حضرت محمد بحث بین خود و یهودیان را مطرح می کنند:

«آن کسانی که گفتند بر اسّتی خداوند ما را متعهّد کرده است که رسولی را معتبر ندانیم (مومن نشویم) تا زمانی که او به ما قربانی ای نشان دهد که آتشی از آسمان او را می بلعد. بگو قبل از من نیز رسولانی با معجزات و با آنچه شما می گفتید برای شما آمدند. چرا آنها را به قتل رساندید. به من بگویید اگر صادق هستید.»

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِلَيْنَا اَلَّا نُوْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يٰتِنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ قَبْلِيْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالذِّكْرِ فَلَمَّ قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ (۱۸۳) آل عمران ۳

در آیه فوق می بینیم که چطور حضرت محمد در کلمات «چرا آنها را به قتل رساندید.» یهودیانی را که در زمان ایشان زندگی می کردند به خاطر کشتن پیامبران الهی در اعصار قبل محکوم می کنند. چطور یهودیانی که در زمان حضرت محمد زندگی می کردند، هزاران سال پیش در زمان پیامبران پیشین می توانستند وجود داشته باشند؟ چرا باید حضرت محمد ایشان را به کشتن پیامبران آنها متهم کنند؟ تنها جواب این است که "رجعت" به معنی مراجعت همان مردم نیست بلکه رجعت همان صفات در مردم است.

چنین انتظاری نیز در مورد رجعت عیسی مسیح در یوم قیامت وجود دارد. (نساء ۱۵۸: ۴ و زخرف ۶۱: ۴۳) معنی آمدن او، نزول خود مسیح از آسمان ظاهری نیست بلکه ظهور پیامبر الهی موعود است با همان صفاتی که مسیح در طی دعوتش ابراز نمود. او بهاء الله، شکوه و جلال خداوندی بود که حیات و تعالیم مقدّسش بر همان اساس محبت و صلح در جهان امروز استوار است.

(ز) خداوند و ملائکه اش: آیه ای که آمدن خداوند و ملائکه اش در روز قیامت را بیان می کند در ادامه می خوانیم: «آیا انتظاری جز این دارند که خداوند و همچنین ملائکه او در سایه ای از ابر بر آنها بیاید و حکم آنها امضاء شود؟ و به سویی خداوند چیزها برمی گردد.» «هل يَنْظُرُونَ اِلَّا اَنْ يٰتِيَهُمُ اللّٰهُ فِيْ ظُلُلٍ مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَرِجَالٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ وَقَضِيَ الْاَمْرُ وَاللّٰهُ تَرْجِعُ الْاُمُوْرُ (۲۱۰) بقره ۲۵»

"خداوند" در اینجا اشاره به مظهر امر الهی دارد که در روز آخرت ظاهر می شود. خداوند روح و غیر قابل رویت و مافوق همه اشیاء مادی است. سپس قرآن شهادت می دهد که آنچه شامل حال مظاهر ظهور الهی است به خود خداوند نیز نسبت داده می شود. «همانا کسانی که با تو عهد وفاداری می بندند (ای محمد) در حقیقت با خدا بیعت نموده اند»

اِنَّ الَّذِيْنَ يُبٰيِعُوْنَكَ اِنَّمَا يُبٰيِعُوْنَ اللّٰهَ (۱۰) فتح ۴۸

همچنین "ملائکه" نفوس مقدّسه و قهرمانان دین الله هستند که خبر دیانت را در هر جا اعلام می کنند. به این آیه توجه کنید: «و اگر ما فرشته ای را برگزینیم، مطمئناً او را به شکل مردی قرار می دهیم و او را در مقابل آنان لباسی مثل خودشان می پوشانیم.»

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَّلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُوْنَ (۹) انعام ۶

(ح) دو نفخه صور: قرآن خبر می دهد که صور خداوند، یعنی امر او، در یوم قیامت دوصدا خواهد داشت. یعنی دو ظهور الهی که به دنبال هم می آیند. چنانکه حضرت باب و حضرت بهاء الله آمدند. «و آنجا يك بار در صور دمیده می شود و همه کسانی که در آسمان و زمین هستند مگر کسانی که خداوند بخواهد منصعق می شوند. سپس آنجا ندای دیگری در صور

دمیده می‌شود و کسانی که به آنها خیره هستند بر می‌خیزند و زمین با نور خداوند روشن می‌شود. »

وَنفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (٦٨) وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ... (٦٩) زمره ٣٩

«روزی که اضطراب صدای صور، آن (جهان) را آشفته می‌کند و صدای دوّم به دنبال آن می‌آید، به حقیقت آن فقط یک صدای واحد خواهد بود.»

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (٦) تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ (٧) ... فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (١٣) نازعات ٧٩

به کلمه تَتَّبِعُهَا توجّه کنید. حضرت بهاءالله بلافاصله بعد از حضرت باب آمدند. همچنان توجّه داشته باشید که این دو نفخه در واقع یک صدا تلقی می‌شوند، چنانکه امر حضرت باب و حضرت بهاءالله به یک دین جهانی تبدیل شده است. در آیه اول درخشیدن زمین بِنُورِ رَبِّهَا اشاره به نام حضرت بهاءالله دارد. بهاء در عربی به معنی "شکوه، جلال و نور" است. قسمت دوّم نام حضرت بهاءالله "خداوند" است که معادل "رَبِّهَا" می‌باشد.

ط) دیگر نشانه ها

۱ - از دیگر نشانه های قرآن راجع به وقوع روز قیامت این است که یهودیان بیشتر از آن در معرض دشمنی مسیحیان قرار نمی‌گیرند و دشمنی و نفرت بین خود یهودیان و فرقه گرایان بین مسیحیان تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. این آیات چنین است:

« به خاطر بی‌اور هنگامی را که خداوند گفت: ای عیسی من کسانی را که پیرو تو هستی تا روز رستاخیز فوق کسانی قرار می‌دهم که به تو اعتقاد ندارند (یهود). سپس رجوع شما به من است و در مورد آنچه اختلاف دارید میان شما حکم خواهم نمود. »

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٥٥) آل

عمران ٣

« ما بین ایشان (یهودیان) دشمنی و نفرت قرار دادیم که تا یوم قیامت طول خواهد کشید. »

وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (٦٤) مائده ٥

« و از بین کسانی که می‌گویند ما مسیحی هستیم... آنها نیز قسمتی از آنچه را به آنها تعلیم داده شده بود فراموش کرده اند، بنابراین ما عداوت و دشمنی بین آنها را تا یوم قیامت برپا داشتیم. »

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ... فَتَسُؤُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (١٤) مائده ٥

می‌بینیم که چطور این نبوّات حقیقت داشته اند، یهودیان بعد از قرن‌ها تابعیت به عنوان یک ملت مستقل در اسرائیل مستقر شده اند و چطور دشمنی و نفرت در بین یهودیان و مسیحیانی که بهایی شده اند به وحدت و عشق تبدیل شده است.

۲ - ما باید توجّه داشته باشیم که حضرت محمد به امرشان و کتابشان به عنوان مفاهیم تعیین

کننده بین اختلافات و رافع مشاجرات مذهبی در یومشان اشاره می کنند. (به سوره نحل ۶۴ - ۶۳: نگاه کنید.) بنابراین وقتی که از روز آخرت به عنوان روزی صحبت می نمایند که اختلافات و مشاجرات مذهبی سرانجام رفع می گردد، مطمئناً مقصودشان ظهور میزان جدید فیض الهی از طریق نزول دیانتی دیگر از جانب خداوند است. در آیه بعد به دایره نامحدود ادیان توجه نمایید که همه مسائل گوناگون و مشکلات خودشان را دارند و آنها را در روز قیامت زوده اند و رفع نموده اند.

« همانا کسانی که ایمان آورده اند (مسلمانان) و یهودیان و صابئین و مسیحیان و مجوس (زرتشتیان) و کسانی که برای خداوند واحد شریک می گیرند، در روز قیامت خداوند بین آنها حکم می کند زیرا او بر همه چیز گواه است. »

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۷) حج ۲۲

۳ - روز قیامت بوضوح به عنوان روز وحدت بیان شده است. حضرت بهاءالله اعلان نموده اند و از طریق تعالیمشان وحدت بشریت در این عصر پر شکوه را مستقر می نمایند. «ای خدای ما، برای روزی که بدون شک خواهد آمد تو مطمئناً ناس را با یکدیگر جمع می نمایی و به حقیقت خداوند در وعده اش کوتاهی نمی کند. »

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹) آل عمران ۳

« بگو اولین و آخرین (مذاهب) همه آنها در میقات روز معلوم جمع خواهند شد. »

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۴۹) لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰) واقعه ۵۶

(ی) زندگی بعد از مرگ: بر طبق تفسیر بهایی از قرآن و تعالیم حضرت بهاءالله روح انسان بعد از مرگ جسم بلافاصله برای زندگی و اعمالش در این دنیای مادی شخصاً مورد قضاوت واقع می شود. این می تواند به عنوان رستاخیز فردی روح انسانی در عالم بعد تلقی شود، جایی که روح مجازات و مکافات اعمال خود را دریافت می نماید. آیات ذیل از قرآن به این حقیقت شهادت می دهد: « به او (حضرت محمد) گفته شد که به بهشت داخل شو. او گفت ای کاش قوم من می دانستند خداوند به من چقدر مهربان است و مرا یکی از محترمین قرار داده است »

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶) بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

(۲۷) یس ۳۶

۲ - «و گمان مکنید کسانی که در راه خدا به قتل رسیده اند مرده اند بلکه آنها نزد پروردگارشان زنده اند. آنها کاملاً به آنچه خداوند به ایشان عطا کرده منتعم هستند. »

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹) آل عمران ۳

«ای نفس مطمئننه با رضایت، به خداوندی که از تو راضی است رجوع کن. در زمره بندگان من در آی و به جنت من داخل شو. »

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

(۲۹) وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰) فجر ۸۹

۵ - چگونه می توانیم حقیقت را از کذب تشخیص دهیم؟

۱ - قرآن یاد می دهد که معجزات نشانه هایی نیستند که مردم از طریق آن مومن شوند . ظهور کتاب مقدس به وسیله پیامبر خداوند کافی است . « و آنها می گویند چرا آیات یا معجزاتی از جانب پروردگارش برای او فرستاده نشد . بگو آیات تنها تحت قدرت پروردگار هستند . من فقط يك بيم دهنده آشکار هستم . آیا این برای آنها کافی نیست که ما برای تو کتابی فرستادیم که بر آنها بخوانی؟ به حقیقت این يك رحمت و آگاهی است برای کسانی که ایمان دارند . »

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰) أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ

أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱) عنکبوت ۲۹

مطلب فوق به این معنا نیست که مظاهر ظهور الهی قدرت ایجاد معجزه را ندارند . در حقیقت مطالعه تاریخ حیات حضرت باب و حضرت بهاءالله قدرتهای مافوق بشری را که ایشان دارا بودند نشان می دهد . لکن دلیل حقانیت امر مظاهر ظهور الهی نباید بر اساس معجزات باشد . یکی از دلایلی که در فوق ذکر شد نزول کتاب است . حضرت باب و حضرت بهاءالله آثارشان را به فارسی و عربی نازل فرمودند . آثار مقدسه حضرت بهاءالله بالغ بر صد جلد است که بعضی از آنها تاکنون به انگلیسی و دیگر زبانها ترجمه شده است .

۲ - دلیل دیگری که در قرآن به عنوان نشان اعتبار امر الهی می یابیم بر اساس این دیدگاه است که اگر این امر حقیقتاً از جانب خداوند باشد منتشر خواهد شد و مورد اجابت و تبعیت مردم قرار خواهد گرفت . « و کسانی که با خداوند (یعنی با دین خداوند) جدل می کنند بعد از اینکه او مورد اطاعت مردم قرار گرفت ، حجت آنها نزد پروردگارش باطل است و غضب و عذابی شدید بر آنها خواهد بود . »

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ

عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶) شورا ۴۲

دیانت بهایی نه فقط از جانب مردم اجابت شد بلکه بیش از بیست هزار شهید از پیروان وفادار آن تاکنون زندگی خود را به عنوان شهادتی بر حقانیت آن دین فدا نموده اند .

۳ - دلیل دیگری که در قرآن برای (حقانیت) امر پیامبران یافت می شود این است که دیانت حق الهی مثل يك درخت نیکوست که ثمرات نیکو می آورد ، اینکه پیامبران حق و پیروان آنها برکت الهی را دریافت می کنند و به وسیله خداوند مدد می شوند . و اینکه پیامبر دروغین و شر مثل درخت فاسد ریشه کن می شود و دروغها و تعالیم گمراه کننده او به وسیله مردم شناخته خواهد شد .

آیاتی در این مورد وجود دارد : « آیا نمی بینی چگونه خداوند کلمه طیبه را به درختی زیبا مثل می زند که ریشه آن ثابت و شاخه های آن در آسمان است . در همه فصول به اراده الهی ثمرات خود را می دهد و خداوند چنین مثالهایی را برای مردم می زند که شاید متذکر شوند (تغییر موضع دهند) و يك کلمه شر مثل درخت بدی است که ریشه اش از سطح زمین پایین نمی رود و هیچ ثبات و قراری نخواهد داشت . »

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (٢٤)
 تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٥) وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ
 كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (٢٦) ابراهيم ١٤
 «مطمئنناً رسولانمان را در زندگي اين جهان كمك خواهيم نمود و نيز كساني را كه به آنها
 مومن مي شوند.»

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (٥١) عاشر ٤٠

«خداوند اين حكم را نوشته است: من و همچنين رسولانم مطمئننا غالب خواهيم آمد
 به حقيقت خداوند قوي و عزيز است.»

كَتَبَ اللَّهُ لِلْأَعْلِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (٢١) مجادلہ ٥٨

«كلمه ما بر بندگانمان كه رسولان ما هستند پيشي گرفته. آنها همانا پيروز خواهند بود و
 سپاهيان ما براي آنان پيروزي خواهند آورد.»

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (١٧١) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (١٧٢) وَإِن جُنَدَنَا لَهُمُ

الْعَالِيُونَ (١٧٣) صافات ٣٧

«حق آمد و باطل رفت. همانا باطل از بين رفتني است.»

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (٨١) بني اسرائيل (اسراء) ١٢

«بلکه ما حق را بر باطل پيروز مي كنيم و باطل از بين خواهد رفت»

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ... (١٨) اسيا ٢١

برطبق همه اصول فوق الذكر باوجود تقريباً يك دوره طولاني مسجونيت حضرت بهاء الله و
 شهادت حضرت باب و بيش از بيست هزار پيروان وفادارش، ديانت بهايي به انتشار نورش در
 سرتاسر پنج قاره، در ٢٥٤ کشور و به ترجمه و انتشار آثارش به بيش از ٢٠٠ زبان و گسترش
 طبقات مومنينش از هر مذهب و نژاد بشري موقر گرديد.

٤ - دليل ديگري كه در قرآن براي تمايز حقيقت از خطا مي يابيم تحقق نبواتي است كه در
 آثار مقدسه اديان گذشته يافت مي شود.

«اما آنها گفتند: چرا با علامتي از جانب خداوند براي ما نيامد؟ اما آيا دلايل آشكاري كه در
 كتب پيشين هست در قرآن براي آنها نيامده؟»

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوْلَمَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (١٣٣) طه ٢٠

هرچند هدف اين مقال صرفاً نشان دادن خلاصه اي از بعضي دلائل ديانت بهايي است كه در
 قرآن يافت مي شود و بررسي متون مقدسه همه اديان گذشته در حيطه اين معرفي نيست، اما
 براي بيان اين مطلب كافي خواهد بود كه مطالعه آثار ديني نشان مي دهد واضحترين و قابل
 اعتمادترين دلايل نه تنها بر اساس قرآن بلكه همچنين بر اساس عهد عتيق يهوديان و عهد جديد
 مسيحيان و به همان اندازه بر پايه كتب مقدسه زرتشتيان، بودائيان و هندوها مستقر خواهد بود.

٥ - آخرين دليلي كه قرآن براي استقاده به عنوان ميزان شناسايي حقيقت از خطا به ما مي دهد
 اين آيه است: «بگو اي يهوديان، اگر گمان مي كنيد شما دوستان خدا هستيد نه ديگر مردم، پس

تمنای موت کنید اگر راستگو هستید. و حال آنکه به دلیل اعمال گذشته‌شان هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند و خداوند از کردار ظالمین آگاه است. «

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ
(٦) وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٧) جمعه ٦٢

تمایل عده‌ای از پیروان به تقدیم جانشان ملاک و میزان است. مطالعه تاریخ دیانت بهایی نشان خواهد داد که چطور بیست هزار شهید به خاطر عشق به حضرت بهاء‌الله در نهایت توکل، ایثار، ازجان‌گذشتگی و سرور روحانی جان خود را فدا نمودند.

٦ - چرا حضرت بهاء‌الله برای ما احکام جدید آورده اند؟

١ - تعالیم مذهبی به دو قسمت تقسیم می‌شوند: اولین قسمت بر تعالیمی تأکید دارد که مربوط به حیات روحانی انسان، وحدت، راستگویی، عفت و غیره است. چنین تعالیم ابدی، غیر قابل تغییر و همیشگی پایه هر مذهب است. دومین قسم شامل احکامی است که به زندگی مادی بشر مربوط می‌شود مثل ازدواج، طلاق، ارث، شکل و زمان ادعیه و جشنها، اغذیه ممنوعه و غیره. این تعالیم قسمت اصلی مذاهب نیستند. آنها با ظهور هر مظهر الهی به اقتضای وضعیت زمان تغییر می‌کنند.

اصل فوق نیز در قرآن وضع شده است. درباره احکام قابل تغییر که متعلق به زندگی مادی بشر است چنین می‌خوانیم: «... برای هر یک از شما (حضرت موسی، مسیح و محمد) شریعت و طریقه‌ای قرار دادیم و اگر خداوند می‌خواهد، مطمئناً همه شما را یک امت می‌گردانید. «

... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ... (٤٨) سوره ٥

«برای هر امتی مراسمی قرار دادیم که آن را به‌جا بیاورند، بنابراین نگذار آنها در این مورد با تو بحث کنند، بلکه آنها را به سویی پروردگارت فراخوان. «

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ (٦٧) حج ٢٢

با توجه به غیر قابل تغییر بودن قسمتی از تعالیم دینی که بر روی زندگی روحانی بشر تأثیر می‌گذارد، ملاحظه می‌کنیم که حضرت محمد عهد عتیق را در یک مثال «الفرقان» می‌نامند.^١ و سپس همان عنوان را برای قرآن مقدس استقاده می‌فرمایند.^٢

البته احکام عهد عتیق با قرآن متفاوت است و دو کتاب مقدس مشابه نیستند اما به وسیله کاربرد یک عنوان مشابه برای هر دو کتاب، حضرت محمد به تعالیم اساسی و روحانی این دو کتاب که البته مشابه هستند توجه نموده اند.

به همین ترتیب در این عصر وقتی حضرت بهاء‌الله ظاهر شدند در حالی که جوهر تعالیم روحانی و اخلاقی ایشان مثل ظهورات گذشته بوده است، اما به لحاظ رعایت مقتضیات جامعه دائم‌التغییر و رو به ترقی، ضرورتاً احکام و قوانینی نیز نازل فرموده اند که نیازهای این عصر را برآورده نماید.

^١ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

^٢ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

۲ - دلیل دیگری که بر اساس مطالعات کتاب قرآن است و می تواند برای شرح علت نزول احکام جدید توسط حضرت بهاء الله ذکر شود این است که احکام معینی در قرآن وجود دارد که زمان آن گذشته است و امروزه دیگر نمی توان بموجب آن عمل نمود، بنابراین باید احکام جدیدی جایگزین آن شود. بگذارید به عنوان مثال آیات ذیل را شاهد بیاوریم. « ای مومنین جز این نیست که مشرکین (کسانی که برای خدای واحد شریک می گیرند) نجس هستند. »

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ ... (۲۸) توبه ۹۷

«و دستهای دزد اعم از زن یا مرد را به جزای اعمالشان قطع کنید.»

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا ... (۳۸) مائده ۵۵

«تلقی مشرکین به عنوان افراد نجس یا بریدن دست دزد قوانینی هستند که در اغلب موارد اطاعت از آن ممکن نیست. چنین قوانینی خودبخود از درجه اعتبار ساقط، فراموش و نسخ شده اند. آیا نمی بایست خداوند آنها را عوض کند؟ جواب این سوال هم به طور حتم در آیه ذیل از آیات قرآن داده شده است.» هر آیه ای را که ما نسخ کنیم یا به فراموشی اندازیم بهتر از آن را خواهیم آورد. آیا نمی دانید که خداوند قادر بر هر چیز است؟ «

مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّمَّا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(۱۰۶) بقره ۲

۳ - يك حکم واضح در قرآن وجود دارد که مسلمین را اکیداً از فرقه گرایی برحذر می دارد. به این دو آیه توجه کنید: « این دین را به پا دارید و در آن تفرقه نیندازید. »

أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (۱۳) شورا ۴۲

«به خداوند بازگردید و خداترس باشید و نماز به پا دارید و از کسانی که برای خدا شریک می گیرند نباشید، یعنی از کسانی که مذهبشان را فرقه فرقه کردند و منشعب شدند. درحالی که هر گروهی به آنچه دارند شادمانند.»

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱) مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَاءً كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲) روم ۳۰

علی رغم این دستورات واضح، اسلام خود به هفتاد و دو فرقه منشعب شد. آیا این نگه داشتن حکم الهی است؟ چه چیز دیگری بجز قدرت يك ظهور جدید الهی می تواند این اسلام فرقه فرقه شده و در حقیقت این دنیای متفرق را متحد کند؟ در آیه بعد به ما اطمینان داده می شود که چنین اتحای فقط می تواند از جانب خداوند بیاید: «اگر تو ای محمد همه ثروتهای روی زمین را انفاق کنی، خواهی توانست قلوب آنها را متحد کنی، اما خداوند آنها را متحد کرده زیرا او عزیز و حکیم است.»

لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ